

امکان‌سنجی الگوی مطلوب حوزه‌بندی انتخابات مجلس

شورای اسلامی

آیت مولائی^{۱*}، مسعود احمدی^{۲**}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۵

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/qjplk.2021.234

چکیده

در کشور ما حوزه‌بندی انتخاباتی به صورت شهرستانی است و در برخی حوزه‌ها چند شهرستان همجوار یک حوزه را تشکیل می‌دهند. در حوزه‌بندی شهرستانی، مشکلاتی همچون تأثیر زیاد تعصبات قومی و مذهبی وجود دارد. برای جلوگیری از این مشکلات، برخی، «حوزه‌بندی استانی» را پیشنهاد کرده‌اند. این راهکار اگرچه موجب کاهش تأثیر عوامل مذکور و راه‌یابی افراد باتجربه‌تر به مجلس می‌شود، ولی امکان شناخت مردم را از کاندیداها کمتر و ارتباط مردم را با نمایندگان مجلس کاهش می‌دهد. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به این پرسش اصلی پاسخ داده شده است که راهکار مطلوب برای حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی چیست؟ یافته‌های تحقیق در پی ارائه روشی در این خصوص است. راهکاری نو و بدیع در حوزه‌بندی انتخابات مجلس با عنوان «حوزه‌بندی شهرستانی - منطقه‌ای» ارائه شده است؛ به صورتی که با افزایش ۴۰ نفری تعداد نمایندگان کنونی مجلس، حوزه‌های انتخابیه منطقه‌ای که شامل چند استان همجوار است، اختصاص داده شود. کرسی‌های جدید نمایندگی به طور تقریباً مساوی بین ۸۰ میلیون جمعیت کشور تقسیم شود و چند استان همجوار با هم و به نسبت مجموع جمعیتشان از جمعیت کل کشور، علاوه بر نمایندگان شهرستانی فعلی، دارای تعدادی نماینده منطقه‌ای نیز شوند.

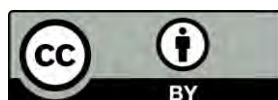
واژگان کلیدی: استانی شدن انتخابات، انتخابات، انتخابات مجلس شورای اسلامی، حوزه‌بندی انتخاباتی، حوزه‌بندی شهرستانی - منطقه‌ای.

استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

* Email: amulaee@tabrizu.ac.ir

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

** Email: masoud_yashilyaz@yahoo.com



Feasibility of the Desired Pattern of Zoning the Parliament Elections of the Islamic Republic of Iran

Ayat Mulaee ^{1*} & Masoud Ahmadi ^{2**}

1- Assistant Professor, Law Department, Faculty of Law & Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

2- Ph.D. Student in Public Law, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Abstract

Speaking about Iran's Parliament elections, there are different election zones where in some, several neighbouring cities form a separate zone. In urban planning, there are problems such as the high impact of ethnic and religious prejudices. To avoid these problems, some lawyers have proposed a provincial zoning system. This may reduce the impact of those factors and will lead to having more experienced people as parliament members however, it makes it less possible for people to get to know the candidates and reduces people's contact with members of parliament. In this research using the descriptive-analytical method, the main question that will be answered is: what is the best solution for zoning the elections of the Islamic Parliament of Iran? The research findings seek to provide an innovative method in this regard. A new and innovative solution in the field of parliamentary elections has been presented with the title: "city-regional zoning". As the total number of current members of parliament increases by 40, constituencies to regions that include several neighbouring provinces are allocated to them. The new seats will be divided almost equally among the country's 80 million population, and several neighbouring provinces will have a number of regional representatives in addition to the current city representatives in proportion to their total population of the entire country.

Keywords

Islamic Republic of Iran Parliamentary Elections, Zoning the Elections Idea, Provincial elections, City-regional Zoning. Elections.

* Email: amulaee@tabrizu.ac.ir

** Email: masoud_yashilyaz@yahoo.com

Corresponding Author

مقدمه

علمای علم حقوق چهار رکن اساسی زیر برای دموکراسی تعریف کرده‌اند: ۱. قانون اساسی، ۲. نظام پارلمانی، ۳. احزاب سیاسی و ۴. رسانه آزاد (یوسفی، ۱۳۸۵: ۱). بدیهی است پارلمان قوی به‌علت قدرت قانونگذاری و نظارتی می‌تواند به‌عنوان یکی از ارکان دموکراسی، تقویت‌کننده ارکان دیگر هم باشد. پارلمان باید زبان گویای هرملتی باشد. به بیان دیگر، برآیند افکار و عقاید یک ملت باید در پارلمان آن ملت متجلی شود، چنین پارلمانی می‌تواند تضمین‌کننده حقوق آحاد ملت باشد. در واقع، اگر ملاک تشخیص نظرهای ملت را مواضع نمایندگان فرض کنیم و در مقایسه آرا و نظرهای نمایندگان و طرح‌های قانونی و نظرهای مطروحه توسط ایشان با برآیند نظرهای ملت تفاوت فاحشی مشاهده نکنیم، می‌توانیم آن پارلمان را به معنای واقعی کلمه، «خانه ملت» و رکن دموکراسی در آن جامعه بدانیم.

با این مقدمه، مشخص است که اولین قدم در تشکیل پارلمانی که صدای رسای ملت و محلی برای تصمیم‌گیری‌های ملی باشد، تدوین صحیح نحوه برگزاری انتخابات و حوزه‌بندی صحیح آن است. روش‌های مختلفی برای حوزه‌بندی انتخابات پارلمانی در کشورهای مختلف وجود دارد. در برخی کشورها به‌منظور حضور نمایندگان توانمندتر و طرح مسائل اساسی و ملی در جلسات پارلمان، انتخابات مجلسی به‌صورت حوزه‌بندی ایالتی (استانی) برگزار می‌شود (ارشدنژاد، ۱۳۸۰: ۳۸). در برخی کشورها، مثل اسلواکی، هم یک حوزه ملی وجود دارد که تمامی نمایندگان با کاندیداتوری از طریق حوزه ملی به مجلس راه می‌یابند (رستگار شریعت‌پناهی، ۱۳۹۶: ۱۸). در برخی کشورها، مثل کشور ما، به‌منظور سهل‌الوصول بودن دسترسی عموم مردم به مهم‌ترین جایگاه تصمیم‌گیری کشور و رساندن صدای ملت به گوش دولتمردان، حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌صورت شهرستانی انجام می‌گیرد.

با توجه به اینکه در کشورمان حوزه‌بندی شهرستانی از دیدگاه برخی صاحب‌نظران مشکلاتی را ایجاد کرده بود، از سال ۱۳۷۸ در مجلس پنجم، طرح استانی شدن انتخابات مطرح شد تا بدین‌وسیله تعصبات قومی و طایفه‌ای در انتخابات مجلس شورای اسلامی کاهش یابد و به‌جای آن‌ها، نقش احزاب سیاسی پررنگ‌تر شود. البته طراحان استانی شدن انتخابات مزایای دیگری را هم بیان کردند. این طرح به‌دفعات در دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی تصویب شد، ولی به‌دلیل وجود ایراداتی همچون ایجاد اختلاف بین آحاد ملت و کاهش مشارکت مردم و افزایش هزینه‌های انتخاباتی توسط شورای نگهبان، رد شد؛ بنابراین لازم است ضمن بررسی مباحث مطرح‌شده حول طرح استانی شدن انتخابات و ایرادات طرح‌شده توسط شورای نگهبان، راهکاری ارائه شود که بتواند مزایای هر دو روش حوزه‌بندی را تا حد ممکن

حفظ کند و هم نظر شورای نگهبان از حیث انطباق طرح با شرع و قانون اساسی را تأمین کند. نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که راهکار مطلوب برای حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی چیست؟ در این زمینه سؤال پیرامونی نیز مطرح است: مزایا و معایب حوزه‌بندی استانی، نسبت به حوزه‌بندی شهرستانی در انتخابات مجلس شورای اسلامی چیست؟ نگاهی به سوابق تحقیق، گویای آن است که نوشته‌هایی در خصوص حوزه‌بندی انتخابات در ایران به رشته تحریر آمده است (برای نمونه ر.ک: تقی‌زاده، ۱۳۸۸؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۶؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲)؛ اما در هیچ نوشته‌ای راهکار مطلوبی از دیدگاهی که مدنظر نوشتار پیش روست، ارائه نشده است؛ از این حیث ضرورت انجام چنین تحقیقی همچنان باقی است؛ بنابراین برای پاسخگویی به پرسش بالا، با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، تلاش می‌شود نخست مفهوم انتخابات و حوزه‌بندی آن در ایران بررسی شود. در ادامه، طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی به بحث گذاشته خواهد شد و در نهایت، راهکار مطلوب در این خصوص ارائه می‌شود.

۱. مفهوم نمایندگی و نظام‌های انتخاباتی

انتخابات مجموعه عملیاتی است که به‌منظور گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه، انتخابات به معنی فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است. ابزاری است که به‌وسیله آن، می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۲۹۱). بر این اساس، هدف از انتخابات، اعمال اراده ملت در سطوح کلان حاکمیتی است. بدیهی است اعمال صحیح این اراده فقط با به‌کارگیری نظام صحیح انتخاباتی میسر است؛ در واقع، هنر نظام انتخاباتی، کشف اراده و خواست ملت به دقیق‌ترین شکل ممکن است. فرایند رأی‌گیری، سازوکاری اجتماعی برای گردآوری و تشخیص گزینه‌ها و ارجحیت‌های اجتماعی است. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رأی‌دهی، فرصت دادن برای جانشینی و انفعال مناصب و مسئولیت‌ها در جامعه است (Dowse, 1974: 284).

مفهوم نمایندگی می‌تواند اشکال چندی به خود بگیرد که در نوشته‌های مختلف بدان پرداخته شده است (رینولدز، ۱۳۸۶: ۸). در حال حاضر از حیث نوع، سه گونه نظام انتخاباتی (اکثریتی، تناسبی و مختلط) قابل ذکر است و به‌طور عموم این سه نوع از سیستم‌های انتخاباتی به اشکال دوازده‌گانه زیر قابل تقسیم است:

الف) سیستم اکثریتی شامل:

۱. نظام اکثریتی ساده؛

۲. نظام اکثریتی دسته‌جمعی^۲؛
 ۳. نظام دسته‌جمعی حزبی^۳؛
 ۴. نظام رأی بدیل^۴؛
 ۵. نظام دو مرحله‌ای^۵.
- ب) سیستم تناسبی دربرگیرنده:
۱. نظام تناسبی لیستی^۶؛
 ۲. نظام تناسبی قابل انتقال (نظام انتخاباتی تکراری قابل انتقال)^۷.
- ج) سیستم مختلط شامل:
۱. نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط^۸؛
 ۲. نظام موازی^۹.
- د) سایر نظام‌ها دربرگیرنده:
۱. نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بوردا؛
 ۲. نظام تکراری غیرقابل انتقال؛
 ۳. نظام انتخاباتی رأی محدود (مولائی، ۱۳۹۸: ۴۸-۴۹).

برگزیدن نظام انتخاباتی خاص و به‌کار بستن آن ممکن است تأثیری مستقیم بر حقوق سیاسی ذی‌ربط داشته باشد. برای نمونه نظام‌های تناسبی می‌توانند مشوق تکثرگرایی احزاب باشند و رأی دادن بر مبنای فهرست حزبی را ضروری سازند (گودوین گیل، ۱۳۸۶: ۴۶).

۲. تعریف حوزه‌بندی انتخاباتی

یکی از اصول اولیه انتخابات، تحقق اصل «یک فرد، یک رأی» است که مفهوم برابری رأی هر فرد واجد رأی دادن فارغ از جایگاه اجتماعی، نژادی، جنسیتی و غیره را دارد. رسیدن به چنین هدفی تا حد زیادی به ترسیم دقیق حوزه‌های انتخاباتی بر روی سطح زمین با در نظر گرفتن عوامل مختلف جغرافیایی و عناصر اجتماعی آن مناطق برمی‌گردد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵). در واقع، وجود حوزه‌های انتخاباتی برای انعکاس تفاوت‌های جغرافیایی مناطق مختلف کشور و هرچه متناسب‌تر شدن نتیجه انتخابات نسبت به تفاوت‌های مناطق، لازم و ضروری می‌نماید (Katz, 1997: 110).

حوزه‌بندی انتخاباتی براساس تقسیم بخش‌های مختلف کشور به حوزه‌های انتخاباتی انجام می‌گیرد، به طوری که تا حد امکان نسبت جمعیت هر حوزه به تعداد کرسی‌های نمایندگی در آن حوزه با حوزه‌های دیگر برابر باشد. البته در خصوص حوزه‌بندی صحیح و عادلانه دیدگاه‌های

مختلفی وجود دارد. برخی صاحب‌نظران پدیده «جری ماندرینگ»^{۱۰} سیاسی را که براساس آن، طراحی عمدی خطوط مجلس قانونگذاری به نفع گروه‌های سیاسی یا دموکراتیک، ماورای تناسب و تقارن جمعیتی آن‌ها انجام می‌گیرد، مانعی در راه تحقق انتخابات عادلانه می‌دانند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۶).

برخی معتقدند وجود مرزهای ثابت در حوزه‌بندی‌های انتخاباتی در برخی مواقع، به ایجاد احساس بی‌عدالتی در میان افراد جامعه نسبت به نوع، تعداد و چیدمان کرسی‌های نمایندگی و سهم برخورداری از نمایندگانی از قوم خود منجر شده و گاهی اوقات بسترهایی را برای وقوع پدیده «جری ماندرینگ» فراهم آورده است (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۵).

۳. الزامات قانون اساسی در مورد حوزه‌بندی و تعداد نمایندگان و وظایف ملی ایشان

قانون اساسی اشاره صریحی به نحوه حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی نکرده و فقط در اصل ۶۴ مقرر داشته است: «محدوده حوزه‌های انتخابیه را قانون معین می‌کند». در نتیجه، قانونگذار اساسی یک موضوع به ظاهر «فنی» را به قانونگذار عادی ارجاع داده است، این در حالی است که در مبحث نظام‌های انتخاباتی، «حوزه‌بندی انتخاباتی» از مقوله‌های مهم در تبیین نظام انتخاباتی است و متخصصان نظام‌های انتخاباتی بدان با جدیت می‌پردازند، چراکه چنین مفهومی اساساً از جنس موضوعات «سیاسی-حقوقی-حکمرانی» است. از این حیث قانونگذار اساسی، دست قانونگذار عادی را در تمسک به معیارها باز گذاشته است (مولائی، ۱۳۹۸: ۱۸). در اصل مذکور مشاهده می‌شود که به‌جز اقلیت‌های مذهبی هیچ محدودیتی در مورد نحوه حوزه‌بندی انتخابات و اختصاص تعداد مشخصی نماینده به یک حوزه وجود ندارد، پس می‌توان با توجه به شرایط مختلف حوزه‌بندی انتخابات را به‌صورت شهرستانی، استانی، منطقه‌ای و حتی ملی انجام داد. نقد وارد به این اصل از قانون اساسی این است که افزایش تعداد نمایندگان را در بازه‌های ده‌ساله مجاز کرده است که بهتر بود این بازه (با توجه به برگزاری انتخابات مجلس در هر چهار سال یک‌بار) مضربی از ۴، مثلاً ۸ یا ۱۲ سال بود. افزایش منظم تعداد نمایندگان با افزایش جمعیت می‌توانست به حوزه‌بندی بهتر کمک کند؛ چراکه حوزه‌بندی اولیه برای جمعیت ایران در سال ۱۳۵۸ تعیین شده بود. همچنین در اصل ۸۴ به مسئولیت هر نماینده در برابر تمام ملت بدون توجه به حوزه انتخابیه نماینده تصریح شده است؛ بنابراین قانون اساسی وظیفه بیشتری برای نماینده در برابر حوزه انتخابی خود نسبت به حوزه‌های انتخابیه دیگر قرار نداده، بلکه وی نماینده تمام ملت است.

۴. طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی

با بررسی اصول قانون اساسی که در مورد وظایف نمایندگان مجلس است، می‌توان گفت که در قانون اساسی وظایف نمایندگان مجلس، «ملی» بوده و گستردگی آن در تمامی مسائل مملکتی هست که در این زمینه فرض استانی شدن انتخابات قابل طرح است.

۴-۱. سابقه طرح حوزه‌بندی استانی مجلس شورای اسلامی

در جریان بررسی پیش‌نویس قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ پیشنهاد تشکیل مجلس ایالات داده شد تا نمایندگانی از استان‌های مختلف در آن عضو باشند. هدف پیشنهاددهندگان آن بود که مجلس دوم (مجلس ایالتی) در مسائل مربوط به تقسیم اعتبارات یا سیاست‌های کلی مملکتی اظهارنظر کند تا به‌نوعی نمایندگی استان‌ها در حکومت مرکزی بیشتر از گذشته باشد. البته این پیشنهاد تصویب نشد و به‌جای آن تشکیل شورای عالی استان‌ها پیشنهاد شد که در تنظیم برنامه رشد عمومی کشور متناسب با نیاز استان‌ها مشارکت داشته باشد. در سال ۱۳۶۸ در جلسات شورای بازنگری قانون اساسی، استانی شدن انتخابات مجلس مطرح شد که در نهایت تصمیم‌گیری در مورد آن را به مجلس شورای اسلامی واگذار کردند. به‌طوری‌که در ذیل اصل ۶۴ قانون اساسی درج شد محدوده حوزه‌های انتخابیه را قانون تعیین می‌کند (تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۹). این طرح در مجالس پنجم، ششم، هفتم و دهم مطرح شد، در مجلس پنجم تصویب نشد، ولی در مجالس بعدی پس از تصویب در مجلس، توسط شورای نگهبان رد شد.

۴-۲. مزایای طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی

طراحان این طرح مزایای مختلفی را برای استانی شدن انتخابات اعلام کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۴-۲-۱. اختصاص وقت پارلمان به طرح مسائل اساسی کشور

در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی به موضوع استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی توجه و اظهار شده بود این نوع حوزه‌بندی، به انتخابات و پارلمان رویکردی ملی می‌بخشد و نوعی تعادل میان علایق ملی و محلی نمایندگان در برخورد با مسائل و موضوعات مطرح در جامعه ایجاد می‌کند. استانی شدن انتخابات می‌تواند به تقویت نمایندگی ملی منتخبان و کاهش وجهه محلی نمایندگان آن‌ها منجر شود و فرصت کافی را در اختیار نمایندگان به‌منظور قانونگذاری و نظارت قرار دهد. اکنون نمایندگان بیشترین وقت خود را صرف مسائل ریز و منطقه‌ای می‌کنند (تقی‌زاده و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۹)؛ بدیهی است در این

شرایط تعامل دولت با مجلس هم می‌تواند بسیار بهتر شود، چراکه درخواست‌های جزئی نمایندگان از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی به‌منظور حل مشکلات شهرستانی و شخصی افراد کاهش یافته و تعاملات بیشتر حول مباحث کلان خواهد بود.

۴-۲-۲. ورود نمایندگان توانمندتر و باتجربه‌تر به مجلس

از نظر موافقان طرح استانی شدن، انتخابات مجلس شورای اسلامی سبب می‌شود تا رقابت در سطح جمعیتی وسیع‌تری برگزار شود. در چنین حالتی با لحاظ محدودیت امکان انتخاب، صرفاً داوطلبانی به موفقیت دست خواهند یافت که در میان جمعیت مربوطه از سوابق و ویژگی‌های درخشان‌تری در مقایسه با سایرین برخوردارند؛ به این ترتیب، این احتمال که افراد دارای تحصیلات و توانایی‌های ویژه علمی و کاری، امکان موفقیت بیشتری داشته باشند، بیش از پیش میسر خواهد شد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۸). بدیهی است وزن مجلس که رکن اصلی قانونگذاری کشور است، با حضور نمایندگان قوی‌تر، تقویت می‌شود و همچنین پارلمان می‌تواند وظایف نظارتی خود را بر دیگر بخش‌های حاکمیتی بهتر اعمال کند.

۴-۲-۳. تقویت جایگاه احزاب

نوع نظام انتخاباتی مورد عمل در ایران به‌دلیل اینکه بدون حضور احزاب سیاسی منسجم، تأسیس شده با عقلانیت و نتیجه‌گرایی ایرانی مابینت دارد و اجزا و اضلاع تشکیل‌دهنده این نظام انتخاباتی، حائز ویژگی نامزدمحورند، نتوانسته‌اند مشارکت احزاب سیاسی در انتخابات را تضمین کنند (نژاد خلیلی، ۱۳۹۳: ۴). از منظر طراحان طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی، افزایش وسعت حوزه‌های انتخابیه از سطح تقسیمات فعلی به سطح استانی، داوطلبان نمایندگی را وادار می‌کند تا به‌منظور ارتقای قدرت رقابت و کسب پیروزی در انتخابات، ناگزیر از عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی یا گرایش به سمت احزاب و نهادهای مدنی باشند. تضارب افکار و اندیشه‌های متفاوت و متنوع در قالب رقابت این احزاب، گروه‌ها و نهادهای مدنی، به‌تدریج سبب می‌شود تا رأی‌دهندگان نیز بیش از گرایش به ویژگی‌های شخصی داوطلبان نمایندگی، در پی شناسایی و ارزیابی اهداف و برنامه‌های جریان‌های فکری، سیاسی و اجتماعی حامی داوطلبان باشند. از این منظر استانی شدن حوزه‌های انتخابیه می‌تواند متضمن مشارکت متفکرانه همگانی در انتخابات شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۲۰).

استانی شدن انتخابات نوعی تمرین و تمهید برای گسترش فرهنگ حزبی، اندیشه تحزب و

مشارکت حزبی است. مردم در جریان انتخابات فراگیرتر نحوه رفتارهای جدید انتخاباتی و حزبی را می‌آموزند و این امر پایه‌ای برای ایجاد احزاب مختلف می‌گردد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱: ۱۳). اگر انتخابات مجلس شورای اسلامی به صورت استانی برگزار شود، طبیعی است که شناخت شخصی افراد از کاندیداها و عملکرد آنها به تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده نتیجه انتخابات باشد، به همین دلیل، کاندیداها باید توسط احزاب مختلف حمایت شوند و افراد با شناختی که از تفکر و خط‌مشی احزاب دارند، کاندیداها را مورد نظر خود را انتخاب کنند. این فرایند موجب تقویت جایگاه احزاب شود و سبب می‌شود احزاب به‌عنوان نمایندگان تفکرات مختلف مردم در اجتماع به بررسی مسائل کشور و ارائه راهکارهای جدید بپردازند و به تدریج در انتخابات مختلف به‌جای شخص به افکار و برنامه‌ها رأی داده شود.

۴-۲-۴. کاهش درگیری‌های قومی و طایفه‌ای در حوزه‌های انتخابیه

ارتباطات قومی و قبیله‌ای و طایفه‌ای انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان از مهم‌ترین عوامل پیروزی در انتخابات مجلس شورای اسلامی است. این امر به‌صورت مجرد، امر نکوهیده‌ای نیست، بلکه هنگامی قابل سرزنش است که داوطلب اصلح به لحاظ بینش و تخصص وجود داشته باشد، اما به دلیل نداشتن تعلقات قومی و قبیله‌ای از انتخاب شدن باز ماند. بخش زیادی از انتخاب‌کنندگان، تخصص، بینش سیاسی و اجتماعی و تجربیات داوطلبان را بررسی نمی‌کنند و فقط تعلقات قومی و قبیله‌ای خویش را ملاک انتخاب قرار می‌دهند. با استانی شدن انتخابات می‌توان بر رفتار انتخاباتی و فرهنگ سیاسی مردم تأثیر گذاشت و با کاهش رفتارهای مبتنی بر عاطفه و هم‌خونی، زمینه انتخاب افراد شایسته، توانمند و فکور را به نمایندگی مجلس شورای اسلامی فراهم کرد (تقی‌زاده و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۱۵).

۴-۲-۵. کاهش هزینه‌های انتخاباتی و کاهش تعداد کاندیداها

طراحان طرح استانی شدن انتخابات مجلس بر این باورند که کاهش حوزه‌های انتخاباتی که در اثر تبدیل حوزه‌های فعلی به حوزه‌های استانی انجام می‌گیرد، به‌همراه یک‌مرحله‌ای شدن برگزاری انتخابات به کاهش هزینه‌های انتخاباتی منجر می‌شود. همچنین کاهش تعداد حوزه‌های انتخاباتی خود به کاهش تعداد کاندیداها می‌انجامد. البته تحلیل اخیر در مورد کاهش تعداد نامزدها مورد نقد قرار گرفته و عنوان شده است از آنجایی که قانون هیچ محدودیتی برای تعداد نامزدها مشخص نکرده، کاهش تعداد حوزه‌ها لزوماً به کاهش تعداد نامزدها منجر نمی‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹: ۲۱).

۳-۴. معایب حوزه‌بندی استانی انتخابات مجلس شورای اسلامی

با وجود مزایای اشاره‌شده برای حوزه‌بندی استانی از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، این طرح معایبی دارد که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۴-۱. افزایش شانس پیروزی افراد صاحب نفوذ در محافل سیاسی و اقتصادی به‌جای افراد اصلح

برخی از مخالفان طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی معتقدند با اجرای این طرح، افرادی پیروز انتخابات خواهند بود که علاوه بر سوابق علمی و کاری، از ارتباطات سیاسی و توان مالی لازم به‌منظور رقابت در انتخابات نیز برخوردار باشند. در این صورت، افزایش امکان پیروزی افرادی که از ثروت کافی برای تبلیغات وسیع برخوردارند، افزایش لابی‌های داوطلبان با مقامات و گروه‌های ذی‌نفوذ سیاسی در سطح استان و نیز افزایش وعده و وعیدهای بعضاً ناشایست و غیراخلاقی مالی و غیرمالی در جریان تبلیغات انتخاباتی از سوی برخی داوطلبان، تنها بخشی از توالی فاسد استانی شدن حوزه‌های انتخابیه خواهد بود و ورود افراد اصلح به مجلس نه با استانی شدن انتخابات، بلکه با تغییر شرایط نامزدی در انتخابات میسر است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۲۱).

۳-۴-۲. بی‌پاسخ ماندن خواسته‌های مردم

مردم در روستاها و شهرهای مختلف بر این باورند که نمایندگان مجلس می‌توانند مشکلات آن‌ها را به دولت و سایر مسئولان کشوری اطلاع دهند و از حقوق آن‌ها دفاع کنند. موافقان استانی شدن انتخابات مجلس معتقدند شوراهای محلی جایگزین مناسبی برای ایفای نقش نمایندگان برای پیگیری و حل مشکلات مردم هستند. دفاع از چنین عقیده‌ای در شرایط فعلی درست نیست، زیرا هیچ‌گاه موقعیت اجتماعی اعضای شوراهای محلی را نمی‌توان با موقعیت نمایندگان مجلس مقایسه کرد. نمایندگان مجلس می‌توانند با اعمال نفوذ بر دستگاه‌های اجرایی و نظارتی در مرکز، برای اخذ تسهیلات و رفع معضلات حوزه انتخابیه خویش اقدام کنند. شوراهای محلی چه از لحاظ حقوقی و چه عملی نمی‌توانند این نقش را به‌نحو مطلوب انجام دهند، زیرا فاقد اختیارات و نفوذ لازم هستند (تقی‌زاده و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۱۸).

۳-۴-۳. بروز و ازدیاد اختلافات محلی، قومی، قبیله‌ای و مذهبی

پس از اینکه در مجلس ششم برای اولین بار طرح استانی شدن انتخابات تصویب شد، شورای نگهبان ایراداتی بر این طرح وارد کرد که بند اول این ایرادات به این شرح بود:

«برگزاری انتخابات استانی مطابق مفاد مصوبه چون موجب بروز و ازدیاد اختلافات قومی، قبیله‌ای و مذهبی می‌گردد و این اختلافات خلاف همبستگی و وحدت ملی است و عامل از بین رفتن توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم می‌شود. بنابراین خلاف موازین شرع و بند ۱۵ اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد» (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۸۳: ۲۸۳). بدیهی است بروز اختلافات قومی و قبیله‌ای امری مذموم است، ولی شورای نگهبان دلایلی را که از دیدگاه این شورا برگزاری انتخابات استانی (مطابق مفاد مصوبه مذکور) به ازدیاد قومی، قبیله‌ای و مذهبی منجر می‌شود، ذکر نکرده است. نمایندگان مجلس هفتم به‌منظور تأمین نظر شورای نگهبان برخی مناطق کشور را که دارای تشنت قومیتی بودند (مثل استان سیستان و بلوچستان و شهرستان‌های قروه و بیجار استان کردستان که دارای جمعیت شایان توجه شیعه‌مذهب و ترک‌زبان هستند)، از برگزاری استانی انتخابات مستثنا کردند، ولی شورای محترم نگهبان بدون ارائه دلیل، اعلام کرد که اشکالات بندهای ۱ (بروز و ازدیاد اختلافات محلی، قومی، قبیله‌ای و مذهبی)، ۲ و ۴ به قوت خود باقی است (مجموعه نظرات شورای نگهبان، ۱۳۸۶: نظریه شماره ۱۴۲). شاید بتوان گفت کاهش امکان انتخاب شدن نامزدهای شهرستان‌های کم‌جمعیت استان در انتخابات استانی مجلس که می‌تواند زمینه بروز درگیری‌ها بین مناطق مختلف استان را فراهم آورد. همچنین از آنجا که جغرافیای سیاسی ایران در شمال، جنوب، شرق و غرب متأثر از عوامل قومی، زبانی و مذهبی است، به‌گونه‌ای که تحکیم وحدت ملی با برگزاری استانی انتخابات شاید دشوار باشد، پس می‌توان گفت برگزاری استانی انتخابات مجلس می‌تواند با تبدیل شدن به رقابت قومی، زبانی و مذهبی انسجام ملی را متزلزل کند (تقی‌زاده و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۱۷).

۴-۳-۴. عدم انتخاب روش مناسب به‌منظور معرفی کاندیدای پیروز در انتخابات

ماده‌واحد استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی که در دوره ششم مجلس به تصویب رسیده بود، روش زیر را برای انتخاب نماینده از بین داوطلبان نمایندگی در سطح استان پیشنهاد کرد. طبق تبصره ۲ این ماده‌واحد، در هر شهرستان داوطلب یا داوطلبانی که بالاترین رأی را در کل استان به‌دست آورده‌اند، نماینده یا نمایندگان استان از آن شهرستان محسوب می‌شوند. این تبصره از طرف شورای نگهبان بدین شرح مورد ایراد قرار گرفت: برحسب تبصره ۲ ماده‌واحد در موردی که رأی داوطلبی در شهرستان پایین‌تر از سایر داوطلبان شهرستان بوده و در استان نیز رأی وی از بسیاری از افراد دیگر داوطلب در شهرستان‌های دیگر استان کمتر باشد، نماینده محسوب شده است. به‌عبارت دیگر، افرادی که

در شهرستان یا کل استان، رأی بیشتری دارند، حذف شده (درحالی‌که تعداد رأی‌دهنده برای کلیه داوطلبان یکسان است) و کسی که نه اکثریت آرا را در شهرستان کسب کرده و نه در کل استان اکثریت آرا را بین داوطلبان شهرستان‌های دیگر استان به‌دست آورده است، نماینده محسوب می‌شود، از این‌رو این تبصره از این حیث مغایر بند ۹ اصل ۳ و اصول ۶ و ۶۲ قانون اساسی شناخته شد (مجموعه نظرات شورای نگهبان، ۱۳۸۶: نظریه شماره ۱۴۲). برای تشریح راحت‌تر طرح پیشنهادی مجلس و ایراد شورای نگهبان، فرض می‌کنیم استانی با دو نماینده وجود دارد که دارای دو شهرستان است که هر کدام یک کرسی نمایندگی دارد. با وضعیت تشریح‌شده در جدول ۱ کاندیدای الف از حوزه فرعی شماره یک که نفر سوم شهرستان و نفر سوم استان است، به مجلس راه پیدا می‌کند و کاندیداهای دیگری که دارای آرای بیشتری از این کاندیدا در شهرستان یا استان هستند، به مجلس راه پیدا نمی‌کنند.

چنین فرمول انتخاباتی برای محاسبه آرا علاوه‌بر مغایرت با بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی که به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی اشاره دارد که در بررسی مصوبه مجلس ششم توسط شورای نگهبان اشاره شده بود، بدون تردید به ایجاد احساسی مبنی بر کم‌رنگ شدن نقش مردم در تعیین نماینده منجر خواهد شد و در نتیجه این امر به کاهش مشارکت مردم خواهد انجامید. از این‌رو شیوه محاسبه آرا موضوع این مصوبه و نحوه انتخاب نماینده، به‌دلیل کاهش مشارکت مردم مغایر بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران در به‌کارگیری همه امکانات به‌منظور نیل به مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش می‌باشد (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴: ۱۳).

جدول ۱. توزیع احتمالی آرا و انتخاب کاندیداها با فرمول پیشنهادی نمایندگان مجلس

در طرح استانی شدن انتخابات

رتبه از نظر میزان رأی و نتیجه انتخابات	میزان رأی در حوزه اصلی استانی	میزان رأی در حوزه فرعی شهرستانی	کاندیداهای فرضی و حوزه انتخابیه فرعی ایشان.
نفر سوم شهرستان «الف» و نفر سوم استان: راه‌یافته به مجلس	٪۱۵	٪۲۰	کاندیدای «الف» از حوزه فرعی شماره ۱

کاندیدای «ب» از حوزه فرعی شماره ۱	%۴۵	%۱۰	نفر اول شهرستان «الف» و نفر چهارم استان: راه‌نیافته به مجلس
کاندیدای «ج» از حوزه فرعی شماره یک	%۲۵	%۴	نفر دوم شهرستان «الف» و نفر ششم استان: راه‌نیافته به مجلس
کاندیدای «د» از حوزه فرعی شماره ۲	%۳۰	%۳۵	نفر دوم شهرستان «ب» و نفر اول استان: راه‌نیافته به مجلس
کاندیدای «ه» از حوزه فرعی شماره ۲	%۴۵	%۲۵	نفر اول شهرستان «ب» و نفر دوم استان: راه‌نیافته به مجلس
کاندیدای «و» از حوزه فرعی شماره ۲	%۲۵	%۶	نفر سوم شهرستان «الف» و نفر پنجم استان: راه‌نیافته به مجلس

نمایندگان در ادوار دیگر مجلس هم سعی کردند به روشی بدون حذف کامل حوزه‌بندی انتخاباتی شهرستانی، طرح حوزه‌بندی استانی را تصویب کنند و این آمیختگی نتایج و طرح روش‌های خاص برای معرفی کاندیدای پیروز با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد؛ به طوری که در مجلس دهم نمایندگان پیشنهاد کردند هریک از داوطلبان در یکی از حوزه‌های فرعی ثبت‌نام کنند و داوطلب یا داوطلبانی که بیشترین رأی را در استان به دست آورده‌اند، نماینده یا نمایندگان استان از آن شهرستان محسوب می‌شوند. البته باید در حوزه فرعی حداقل ۱۵ درصد آرا را کسب کرده باشد. ملاحظه می‌شود یکی از معایب و ایرادات این طرح عدم ارائه روش انتخابی مناسب و عادلانه است که بارها از طرف شورای نگهبان مورد ایراد قرار گرفته شده است.

۴-۳-۵. حذف حد نصاب یا عدد آستانه برای پیروزی در انتخابات

یکی از ایرادات شورای محترم نگهبان به طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی،

افزایش هزینه‌های انتخاباتی بود؛ به این نحو که برگزاری انتخابات به صورت استانی - شهرستانی، مطابق مفاد مصوبه مجلس، با توجه به پیچیدگی‌ها و ابهاماتی که در مقام اجرای مصوبه خواهد داشت، نیازمند آموزش‌های مختلف به منظور برگزاری صحیح آن است که این امر، به افزایش هزینه‌های عمومی منجر می‌شود. موارد دیگری نیز وجود دارد که موجب افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود، از این رو به دلیل عدم پیش‌بینی طریقه جبران آن، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی اعلام شد (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴: ۱۱). نمایندگان مجلس برای رفع این ایراد و پیش‌بینی طریقه جبران این افزایش هزینه، حد نصاب یا عدد آستانه برای پیروزی در انتخابات را حذف و انتخابات را تک‌مرحله‌ای کردند. حد نصاب پیروزی، در انتخابات مجلس شورای اسلامی در مجلس اول یک‌دوم بود که با تغییرات قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به یک‌سوم و سپس یک‌چهارم کاهش یافت و سرانجام مجلس دهم این حد نصاب مهم را به یک‌پنجم رساند (سایت اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۲/۱۴).

کاهش و در نهایت، حذف حد نصاب انتخاباتی که از مؤلفه‌های لازم برای حاکمیت رأی اکثریت مردم در انتخابات است، ممکن است به انتخاب نماینده اقلیت به جای نماینده اکثریت منجر شود، چراکه منتخب ممکن است برگزیده ۱۵ درصد مردم باشد و آرای ۸۵ درصد دیگر رأی‌دهندگان به دلیل کثرت کاندیداها که به پراکندگی منجر می‌شود و نبود حد نصاب پیروزی در انتخابات، بی‌اثر شود که با فلسفه انتخابات و حاکمیت رأی اکثریت مردم مغایرت دارد.

۵. در جست‌وجوی الگوی مطلوب؛ ارائه راهکار حوزه‌بندی تلفیقی: شهرستانی - منطقه‌ای به منظور استفاده از مزایای حوزه‌بندی‌های مختلف

با توجه به مزایا و معایب هر دو روش حوزه‌بندی شهرستانی و استانی که در بندهای بالا بررسی شد، ارائه راهکاری که به مثابه الگویی بتواند از مزایای هر دو روش بهره‌مند شود و معایب آن‌ها را به حداقل برساند، بسیار لازم و ضروری به نظر می‌رسد و بهترین راهکار استفاده از روش حوزه‌بندی ترکیبی است؛ یعنی تعدادی از نمایندگان از حوزه شهرستانی انتخاب شده و تعداد دیگری از حوزه منطقه‌ای، تا مزایای هر دو روش حفظ شود. چنین الگویی می‌تواند الگوی مطلوب برای انتخابات مجلس به شمار آید. با توجه به اینکه تعداد کرسی‌های نمایندگی هر حوزه شهرستانی قبلاً مشخص شده است و انتخابات در طول دوره‌های گذشته با تغییرات جزئی در همان حوزه‌ها برگزار شده‌اند، ادامه برگزاری انتخابات در آن حوزه‌ها می‌تواند از معایب اشاره‌شده برای برگزاری انتخابات به شیوه استانی جلوگیری کند، ولی می‌توان از ظرفیت موجود در قانون اساسی برای افزایش تعداد نمایندگان و استفاده از مزایای حوزه‌بندی با محدوده وسیع‌تر از شهرستان استفاده کرد. منظور از حوزه‌بندی منطقه‌ای یا ایالتی حوزه‌هایی

هستند که با مطالعه روی استان‌های کشور و توزیع جمعیتی آن‌ها و تناسب فرهنگی، قومی و مذهبی پیشنهاد می‌شوند. هر حوزه منطقه‌ای شامل تعدادی استان (۱ تا ۴) هستند که در مجموع یک حوزه انتخابی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند؛ یعنی هر شخص در انتخابات دو برگه رأی را، که یکی مربوط به حوزه شهرستانی و یکی هم مربوط به حوزه منطقه‌ای است، تکمیل خواهد کرد. از توضیحات پیش گفته چنین برمی‌آید که در اثر نظام انتخاباتی پیشنهادی در بالا، نظام انتخاباتی ایران از ساختار مرسوم «نظام اکثریتی» فراتر خواهد رفت و در دسته «سیستم‌های مختلط» قرار خواهد گرفت، البته چنین نظام پیشنهادی با منطوق و مفهوم اصل ۶۴ قانون اساسی همسویی دارد، چراکه در آن، آشکارا به معیارهای «انسانی» و «جغرافیایی» پرداخته شده است (مولائی، ۱۳۹۸: ۱۷).

در ادامه، ابتدا طرح پیشنهادی حوزه‌بندی ترکیبی (شهرستانی و منطقه‌ای) شرح داده شده و سپس مزایای این طرح و اقدامات تکمیلی دیگر بیان می‌شود. برای شرح این طرح، ابتدا توزیع جمعیت ایران بررسی می‌شود. طبق اعلام مرکز آمار ایران، میزان جمعیت کشور در سرشماری سال ۱۳۹۵ در حدود ۸۰ میلیون نفر است که بین ۳۱ استان کشور به شرح جدول ۲ توزیع شده‌اند (سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۳۴).

بر این اساس و با استفاده از ظرفیت موجود در اصل ۶۴ قانون اساسی مبنی بر افزایش تعداد ۲۰ نماینده در هر ۱۰ سال و با توجه به اینکه تعداد نمایندگان مجلس از سال ۱۳۷۸ ثابت مانده است، می‌توان با توجه به گذشت ۲۰ سال، تعداد ۴۰ نماینده به مجلس شورای اسلامی افزود. برای توزیع این نمایندگان بین کل کشور با تقسیم جمعیت ۸۰ میلیون نفری کشور (براساس آخرین سرشماری رسمی)، به ازای هر ۲ میلیون نفر، یک نماینده «منطقه‌ای» اضافه می‌شود. برای این کار با تقسیم کشور به مناطق مختلف و در نظر گرفتن تناسب‌های فرهنگی، مذهبی و قومی و همچنین نحوه توزیع جمعیت، حوزه‌بندی منطقه‌ای به شرح جدول ۳ به منظور انتخابات مجلس دوازدهم پیشنهاد می‌شود. ناگفته پیداست که چنین تغییری در تعداد نمایندگان در بازه‌های مقرر در اصل ۶۴ قانون اساسی قابل اصلاح و بازبینی است. شایان ذکر است که ملاک اصلی در کنار هم قرار گرفتن این استان‌ها، معیار «همجواری و نزدیکی جغرافیایی» است و با در نظر گرفتن معیار «مجموع کل جمعیت ساکن در هر منطقه فرضی»، برای حدود هر «دو میلیون نفر» ساکن در آن منطقه، «یک نماینده» در نظر گرفته شده است. گفتنی است که این شاخص‌ها با معیارهای «برابری» و «منصفانه» بودن همسو هستند؛ امری که امروزه در نظام‌های انتخاباتی آزاد و منصفانه بدان‌ها توجه دوچندانی شده و بر آن‌ها تأکید جدی می‌شود (مولائی، ۱۳۹۸: ۱۴).

جدول ۲. جمعیت کشور به تفکیک استان برحسب میلیون نفر^{۱۱}

ردیف	نام استان	جمعیت	ردیف	نام استان	جمعیت
۱	آذربایجان شرقی	۳/۹	۱۷	فارس	۴/۸۵
۲	آذربایجان غربی	۳/۳	۱۸	قزوین	۱/۲۷
۳	اردبیل	۱/۳	۱۹	قم	۱/۳
۴	اصفهان	۵/۱۲	۲۰	کردستان	۱/۶
۵	البرز	۲/۷	۲۱	کرمان	۳/۲
۶	ایلام	۰/۵۸	۲۲	کرمانشاه	۱/۹۵
۷	بوشهر	۱/۱۶	۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۷۱
۸	تهران	۱۳/۲	۲۴	گلستان	۱/۸۷
۹	چهارمحال و بختیاری	۰/۹۵	۲۵	گیلان	۲/۵
۱۰	خراسان جنوبی	۰/۷۷	۲۶	لرستان	۱/۷۶
۱۱	خراسان رضوی	۶/۴	۲۷	مازندران	۳/۳
۱۲	خراسان شمالی	۰/۸۶	۲۸	مرکزی	۱/۴۳
۱۳	خوزستان	۴/۷	۲۹	هرمزگان	۱/۷۷
۱۴	زنجان	۱/۰۶	۳۰	همدان	۱/۷۴
۱۵	سمنان	۰/۷۰	۳۱	یزد	۱/۱۴
۱۶	سیستان و بلوچستان	۲/۸	-	-	-

جدول ۳. تقسیم‌بندی پیشنهادی حوزه‌بندی منطقه‌ای انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	نام استان	جمعیت (میلیون نفر)	تعداد نماینده
۱	آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل	۸/۴	۴

۲	۴	قزوین، زنجان و همدان	۲
۴	۷/۶	گلستان، گیلان و مازندران	۳
۴	۷/۹	خراسان شمالی، رضوی و جنوبی	۴
۴	۷/۷	سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان	۵
۲	۴/۸	فارس	۶
۴	۷/۶	بوشهر، خوزستان و لرستان	۷
۴	۷/۹	اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و یزد	۸
۲	۴/۱	کردستان، کرمانشاه و ایلام	۹
۲	۳/۸	البرز و مرکزی	۱۰
۸	۱۵	تهران، قم و سمنان	۱۱



شکل ۱. تصویر حوزه‌بندی منطقه‌ای انتخابات مجلس شورای اسلامی

۶. دلایل ارجحیت حوزه‌بندی شهرستانی - منطقه‌ای به حوزه‌بندی
شهرستانی - استانی

می‌توان گفت حوزه‌بندی شهرستانی - منطقه‌ای دارای مزایای توأمان حوزه‌بندی شهرستانی و حوزه‌بندی استانی است، چراکه هم مزیت اصلی حوزه‌بندی شهرستانی مبنی بر ارتباط نزدیک نمایندگان با مردم را دارد و هم اینکه امکان حضور نمایندگانی توانمندتر و سرشناس‌تر به مجلس را می‌دهد. علاوه بر این موضوع، مزایای دیگری دارد که به تشریح آن می‌پردازیم.

۶-۱. افزایش همبستگی منطقه‌ای و به تبع آن، همبستگی ملی و ارائه راهکار برای مشکلات بین‌استانی

برگزاری انتخابات در چند استان برای انتخاب تعداد محدودی نماینده سبب می‌شود کاندیداهای مختلف تمرکز اصلی خود را در شعارها و برنامه‌های انتخاباتی بر محور توسعه منطقه‌ای و رفع مشکلات مشترک زندگی مردم استان‌های همجوار قرار دهند و در نتیجه افکار عمومی منطقه با این موضوعات بیشتر آشنا شده و تبادل فکری بین اندیشمندان و آحاد مردم به‌منظور توسعه همه‌جانبه و دوشادوش استان‌های همجوار آغاز می‌شود. به‌علاوه، امکان طرح راهکار برای مسائل تنش‌زای بین‌استانی در این انتخابات مطرح می‌شود. برای مثال مسئله آب بین چند استان در بخش‌های مختلف کشور در سال‌های گذشته به بروز اختلاف‌هایی منجر شده بود که نمایندگان هر حوزه به بیان نیازهای شهرستان حوزه انتخاباتی خود در این خصوص پرداخته بودند و این تشتت آرا سبب شده بود تصمیم‌گیری و ارائه راه‌حل جامع برای حل مشکل ممکن نباشد. در این خصوص حتی انتخاب نمایندگان استانی نیز با توجه به ماهیت مشکل که بین‌استانی است، نمی‌تواند راهگشا باشد. ولی در صورتی که این چند استان نمایندگان منطقه‌ای مشترکی داشته باشند، می‌توانند به‌همراه استانداران پس از ایجاد بستر قانونی لازم توسط مجلس شورای اسلامی، کمیته‌ای به‌عنوان کمیته رفع اختلافات بین‌استانی ایجاد و این مسائل را که در مواردی به‌علت تعصبات بیش از حد، به‌صورت معضلی لاینحل درآمده‌اند، حل کنند. باید توجه داشت در کشورهایی با تنوع قومی، زبانی و غیره، توجه به نوع نظام انتخاباتی، می‌تواند در افزایش یا کاهش «هویت ملی» تأثیر مستقیم داشته باشد (مولائی، ۱۳۹۸: ۵۴).

۶-۲. افزایش وزن علمی و تجربی مجلس شورای اسلامی و زمینه‌سازی برای حضور افراد باتجربه و توانمند

در کشور ما مسئولانی در سطوح کلان مدیریتی فعالیت دارند و دارای تجارب و توانمندی‌های ارزشمندی هستند که استفاده از تجربیات این افراد می‌تواند برای توسعه کشور مفید باشد. چنین افرادی می‌توانند در انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماینده منطقه‌ای شرکت کرده و به بالا بردن وزن فکری، علمی و تجربی مجلس شورای اسلامی،

کمک کنند. حتی رؤسای جمهور سابق نیز می‌توانند (در صورت موفقیت در انتخابات) به‌عنوان نماینده یکی از مناطق کشور در مجلس شورای اسلامی حاضر شوند و تجربیات و توانمندی‌های خود را در اختیار مجلس بگذارند. البته حضور این افراد در انتخابات در حوزه‌های انتخابیه شهرستانی هم مقدور است، ولی تجربه یازده دوره مجلس شورای اسلامی نشان داده است مسئولانی که در سطوح کلان مدیریتی فعالیت داشته‌اند، همچون رؤسای جمهور سابق یا رؤسای قوه قضاییه سابق یا فرماندهان نظامی بازنشسته، تمایل چندانی به شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی از حوزه‌های انتخابیه شهرستانی ندارند. با اضافه شدن ۴۰ نماینده منطقه‌ای که با توجه به گستردگی حوزه انتخابیه، طبعاً باید دارای سوابق قوی‌تر و سبد رأی و مقبولیت بیشتری نسبت به بیشتر نمایندگان دیگر باشند، وزن علمی و تجربی مجلس شورای اسلامی افزایش می‌یابد و از تجربیات و توانمندی‌های افراد شاخص که قبلاً سوابق مدیریتی یا اجرایی و نمایندگی داشتند، در مذاکرات مجلس و تصویب لوایح و طرح‌ها استفاده می‌شود.

۳-۶. تقویت احزاب و امکان ارزیابی واقعی از میزان محبوبیت احزاب و

تشکل‌های سیاسی بین مردم

یکی از مزایای ذکر شده برای حوزه‌بندی استانی مجلس شورای اسلامی، تقویت احزاب و فعالیت‌های سیاسی حزبی است که این مهم می‌تواند در انتخابات مجلس شورای اسلامی با حوزه‌بندی شهرستانی - منطقه‌ای محقق شود. در این زمینه می‌توان پس از سازماندهی مناسب احزاب سیاسی، انتخاب ۴۰ نماینده منطقه‌ای را به‌صورت تناسبی هم انجام داد. همچنین انتخابات مختلف علاوه بر نتایجی که به تشکیل دولت‌ها و مجالس منجر می‌شود، معیاری از میزان محبوبیت و مقبولیت جناح‌ها و احزاب مختلف است. با توجه به اینکه در انتخابات مجلس با حوزه‌بندی شهرستانی (به‌خصوص در شهرستان‌های کوچک)، عواملی غیر از تفکر سیاسی شخص یا حزب متبوع نماینده تأثیرگذارند، احزاب می‌توانند با برنامه‌ریزی برای شرکت در حوزه‌بندی منطقه‌ای انتخابات مجلس، میزان مقبولیت خود را بین مردم تحلیل کرده و برنامه‌ها و خط‌مشی خود را براساس خواسته‌های مردم تنظیم کنند.

۴-۶. آمادگی برای انتخابات ریاست جمهوری

در کشور ما به‌دلیل فاصله بسیار زیاد حوزه‌های محدود شهرستانی نمایندگی مجلس و حوزه بسیار گسترده و وسیع ملی انتخابات ریاست جمهوری از نظر گستردگی و تعداد افراد شرکت‌کننده و میزان رأی فرد منتخب، نمایندگان مجلس نمی‌توانند کاندیدای بالقوه انتخابات

ریاست جمهوری شوند؛ چراکه اولاً، تعداد آرای مأخوذه ایشان در مقایسه با رؤسای جمهور منتخب بسیار کم است، برای مثال حداکثر رأیی که نمایندگان مجلس توانسته‌اند تا به امروز در انتخابات کسب کنند، حدود ۱/۵ میلیون رأی بوده است (وزارت کشور، ۱۳۹۹: ۱)، درحالی‌که میانگین آرای رؤسای جمهور در چند انتخابات اخیر حدود ۱۹ میلیون رأی است (خبرگزاری خانه ملت، ۱۴۰۰: ۱)؛ ثانیاً، نمایندگان مجلس معمولاً فقط از یک حوزه انتخابیه کاندیدا شده‌اند و اطلاعی از میزان محبوبیت خود در شهرستان‌ها یا حوزه‌های دیگر ندارند. به همین دلیل کمتر نماینده مجلسی خود را در حد کاندیدای رئیس‌جمهوری می‌بیند و معمولاً کاندیداهای ریاست جمهوری در چند دوره مختلف تکراری هستند یا شاید به دلیل اینکه قبلاً در انتخاباتی شرکت نکرده‌اند و درک درستی از میزان مقبولیت خود در بین مردم ندارند، آرای بسیار پایینی را کسب می‌کنند. برای حل این مشکل، می‌توان با انتخاب ۴۰ نماینده که در بین مردم چند استان همجوار شناخته شده هستند و هر کدام آرای چندمیلیونی دارند، تعداد زیادی کاندیدای بالقوه ریاست جمهوری آماده کرد که در صورت داشتن توان و برنامه لازم در انتخابات ریاست جمهوری، به‌عنوان کاندیدایی که شانس پیروزی داشته باشند، شرکت کنند. البته تصدی پست ریاست جمهوری با توجه به ماهیت اجرایی آن تفاوت‌های ماهوری با نمایندگی مجلس دارد و بدیهی است نمایندگانی می‌توانند کاندیدای مناسب برای انتخابات ریاست جمهوری باشند که علاوه بر محبوبیت مردمی، دارای علم و تجربه در حوزه‌های اجرایی هم باشند. شایان ذکر است مزایای ذکر شده برای حوزه‌بندی شهرستانی و منطقه‌ای محدود به موارد مذکور نیست، چراکه در این روش حوزه‌بندی، با توجه به حفظ کرسی‌های نمایندگی در حوزه‌های شهرستانی، مزایای آن حوزه‌بندی، همچون افزایش مشارکت مردم در انتخابات (نسبت به حوزه‌بندی استانی)، ارتباط راحت‌تر مردم با نمایندگان و تلاش برای رفع مشکلات شهرستان‌ها و جلوگیری از تفرقه‌های قومی و مذهبی نیز وجود دارد.

۷. ارائه پیشنهادها تکمیلی پس از اجرایی شدن طرح حوزه‌بندی

انتخاباتی شهرستانی - منطقه‌ای

پس از اجرا شدن طرح حوزه‌بندی شهرستانی - منطقه‌ای، می‌توان با انجام اقدامات تکمیلی دیگر، امور کشور را بهتر و مطلوب اداره کرد که به دو طرح مهم تکمیلی به شرح زیر اشاره می‌شود.

۷-۱. کاهش تمرکزگرایی در مدیریت کشور با تأسیس مراکز

تصمیم‌گیری منطقه‌ای (ایالتی)

یکی از مشکلاتی که در کشور ما پس از تقسیمات کشوری دوره پهلوی اول به وجود آمد،

تبدیل دولت گسترده به دولت متمرکز بوده است که سبب معضلات بسیاری شد. در شرایطی که قبل از آن دوره، علاوه بر دولت مرکزی که در تهران مستقر بود و تصمیمات اساسی کشور توسط آن اخذ می‌شد، دولت‌های محلی در بخش‌های مختلف کشور وجود داشتند که به امور داخلی آن منطقه یا ایالت (که آن زمان مملکت نامیده می‌شدند)، رسیدگی می‌کردند. با توجه به گستردگی کشور ما و تنوع قومیتی و فرهنگی، بسیاری از مسائل با توجه به شرایط منطقه‌ای حل و فصل می‌شد که متأسفانه با از بین رفتن آن سیستم و تمرکز کامل دولت در تهران، بسیاری از مسائل منطقه‌ای مورد کم‌توجهی قرار گرفت (نوحه‌خوان، ۱۳۹۳: ۷).

نمایندگان ایالتی به همراه استانداران استان‌های منتخب، می‌توانند کمیته یا شورای تصمیم‌گیری ایالتی را تشکیل دهند که با قانونگذاری مناسب و تفویض اختیار از دولت مرکزی به این کمیته، برخی از مسائل را حل و فصل کرده و تصمیماتی متناسب با نیازهای منطقه اخذ کنند، درحالی‌که عضویت نمایندگان حوزه‌های شهرستانی (به‌علت کثرت ایشان) در این شورا نمی‌تواند عملی باشد و عضویت نمایندگان مراکز استان‌ها هم سبب تضییع حقوق شهرستان‌های دیگر می‌شود؛ درحالی‌که نماینده‌ای که منتخب چند استان است، می‌تواند با حضور در شورای منطقه‌ای در فرایند تصمیم‌گیری مسائل آن منطقه دخالت کند.

۷-۲. امکان تبدیل حوزه‌بندی شهرستانی - منطقه‌ای به حوزه‌بندی منطقه‌ای و ایجاد مجلس‌های منطقه‌ای.

پس از برگزاری موفقیت‌آمیز حداقل یک دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با حوزه‌بندی شهرستانی - منطقه‌ای، می‌توان به‌منظور طرح بهتر مسائل منطقه‌ای و جلوگیری از اختصاص وقت مجلس شورای اسلامی به مباحث منطقه‌ای، مجلس منطقه‌ای هم با ایجاد بسترهای قانونی شکل گیرد و مصوباتی را در راستای حدود وظایف و اختیارات قانونی‌اش به تصویب برساند. چنین نهادی دربرگیرنده وضعیتی جدید با در نظر گرفتن واقعیات مربوط به تنوع اقلیمی، طبیعی، قومی و... خواهد بود؛ الگویی که در صورت تحقق، به تمرکززدایی گسترده در امر حکمرانی در ایران منجر خواهد شد و زمینه‌ساز نزدیکی بیش از پیش نهادهای قانونگذار با واقعیات اقلیمی، بومی، محلی و منطقه‌ای خواهد شد. در این صورت، مجلس شورای اسلامی به‌مثابه مجلس ملی، بیشتر به قانونگذاری در حوزه مسائل اساسی و بااهمیت ملی خواهد پرداخت و عموم مباحث منطقه‌ای در مجالس منطقه‌ای بررسی خواهد شد (مولائی، ۱۳۹۸: ۶۸).

نتیجه‌گیری

در این مقاله پس از بررسی و تحلیل مختصر از برخی موضوعات مرتبط با حوزه‌بندی انتخابات و بیان مزایا و معایب سیستم‌های محدود (شهرستانی) و گسترده (ملی)، به بررسی نگاه قانون اساسی به مجلس و وظایف نمایندگی پرداخته شد و ضمن بیان دغدغه‌های اصلی طراحان حوزه‌بندی استانی انتخابات مجلس شورای اسلامی، در نهایت با لحاظ کردن الزامات قانون اساسی، پیشنهاد اضافه شدن حوزه‌بندی منطقه‌ای به انتخابات مجلس شورای اسلامی با استفاده از اصل ۶۴ قانون اساسی ارائه شد که مزایا و امتیازات زیادی دارد که مهم‌ترین آن‌ها، کاهش تمرکزگرایی و توجه به نیازهای بومی هر منطقه از کشور، کمک به فعالیت‌های حزبی و افزایش وزن علمی و تجربی مجلس شورای اسلامی است و این وضعیت می‌تواند به گشایش در امر حکمرانی منجر شود.

شایان ذکر است با توجه به مجوز اصل ۶۴ قانون اساسی و عدم افزایش تعداد نمایندگان مجلس در بیست سال اخیر و توزیع جمعیت کشور در بین استان‌ها و همچنین جمعیت کل کشور، فضای قانونی برای افزایش ۴۰ سهم نمایندگی فراهم است و به راحتی و به صورت تقریباً عادلانه، بین استان‌ها قابل توزیع است که راهکار تسهیم و تقسیم‌بندی دقیق آن در این مقاله پیشنهاد شده است و از دیدگاه نگارندگان، بهترین زمان اعمال قانون پیشنهادی حوزه‌بندی انتخاباتی شهرستانی - منطقه‌ای، انتخابات بعدی مجلس شورای اسلامی است. در نهایت تأثیر انتخاب هریک از سه حوزه‌بندی انتخاباتی شهرستانی، استانی و شهرستانی - منطقه‌ای را بر اهداف مهم انتخابات مجلس در جدول ۴ جمع‌بندی می‌کنیم. شایان ذکر است مستندات و دلایل مربوط به این جدول در متن مقاله به‌طور مشروح درج شده است. شدت تأثیرات مثبت و منفی اشاره‌شده در جدول مذکور می‌تواند موضوع کارهای تحقیقی دیگری باشد.

جدول ۴. بررسی تطبیقی تأثیر انتخاب حوزه‌بندی‌های مختلف بر اهداف انتخابات

مجلس شورای اسلامی

هدف انتخاباتی	حوزه‌بندی شهرستانی	حوزه‌بندی استانی	حوزه‌بندی شهرستانی - منطقه‌ای
اختصاص وقت مجلس به طرح مسائل اساسی	تأثیر منفی	تأثیر مثبت	تأثیر مثبت

تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر منفی	افزایش وزن علمی و تجربی مجلس
تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر منفی	کاهش اختلافات قبیله‌ای و طایفه‌ای
تأثیر مثبت	تأثیر منفی	تأثیر مثبت	هویت ملی و جلوگیری از تفرقه مذهبی و قومی
تأثیر مثبت	تأثیر منفی	تأثیر مثبت	افزایش مشارکت مردم در انتخابات
تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر منفی	رشد تحزب
تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر منفی	حل راحت‌تر مشکلات بین استانی
تأثیر مثبت	تأثیر منفی	تأثیر مثبت	ارتباط راحت‌تر مردم با نمایندگان و تلاش برای رفع مشکلات شهرستانی
تأثیر مثبت	تأثیر منفی	تأثیر مثبت	تعیین حد نصاب برای پیروزی در انتخابات به‌منظور حاکمیت نهایی نظر اکثریت مردم

منابع

الف) فارسی

۱. ارشدنژاد، شهرام (۱۳۸۰)، قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، تهران: گیل، چ اول.
۲. اکبری، قاسم؛ راستی، عمران؛ میکانیکی، جواد (۱۳۹۵)، «استانی شدن انتخابات؛ تمرکزگرایی و تمرکززدایی، با تأکید بر حوزه‌های انتخابیه استان خراسان جنوبی»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، سال یازدهم، ش ۱.

۳. احمدی پور، زهرا؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ خوجم لی، عبدالوهاب (۱۳۹۰)، «تحلیل حوزه‌های انتخابی استان گلستان بعد از انقلاب اسلامی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، ش ۱.
۴. اداره کل امور انتخابات (۱۳۹۰)، مجموعه قوانین انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، تهران: انتشارات شورای نگهبان، چ اول.
۵. پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۴)، اظهارنظر مجمع مشورتی حقوقی در خصوص طرح استانی - شهرستانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی، کد گزارش ۹۴۰۴۰۱۸، تیرماه ۱۳۹۴.
۶. تقی‌زاده، جواد؛ ضرغامی، شبیر (۱۳۸۸)، «استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۴.
۷. رضایی، سوده (۱۳۹۴)، «ارائه مدل شناورسازی مرز حوزه‌های انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی بر مبنای افزایش سرمایه اجتماعی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال سوم، ش ۱۰.
۸. رستگار شریعت‌پناهی، شهرزاد (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی نظام‌های انتخاباتی ۶ کشور اروپای شرقی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۴۰۷.
۹. ریاست جمهوری، سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، گزیده نتایج عمومی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵، چ اول، تهران: انتشارات دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌المللی مرکز آمار ایران.
۱۰. رینولدز اندره (۱۳۸۶)، «طراحی نظام‌های انتخاباتی»، ترجمه حسین نبی‌لو، اطلاع‌رسانی حقوقی، دوره جدید سال ششم، ش ۱۲.
۱۱. راجی، سید محمد مهدی (۱۳۸۹)، قانون انتخابات مجلس فرانسه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چ اول.
۱۲. زرافشان، محمدهادی؛ حسینی پور اردکانی، سید مجتبی (۱۳۹۶)، مجموعه قوانین و مقررات انتخابات، ویراست چهارم، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، چ دوم.
۱۳. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۲)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم.

۱۴. گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۸)، *بررسی تطبیقی نظام‌های انتخاباتی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، چ اول.
۱۵. گودوین گیل، گای اس (۱۳۸۶)، *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه‌های بین‌المللی*، ترجمه سید جمال سیفی، سید قاسم زمانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ دوم.
۱۶. محمدی، حسن (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی»، *مطالعات سیاسی حقوق و فقه*، بهار ۹۶، دوره ۳، ش ۱/۱.
۱۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲)، *مقدمه‌ای بر استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی*، کد مسلسل ۱۳۳۸۰.
۱۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۱)، *گزارش نشست تخصصی درباره طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه*، شماره مسلسل ۶۵۸۳.
۱۹. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، *نگاهی به نظرات موافقان و مخالفان استانی شدن حوزه‌های انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی*، شماره مسلسل ۱۰۶۳۲.
۲۰. مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۸۳)، *مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی*، دوره ششم، سال سوم، چ اول، تهران: دادگستر.
۲۱. مولائی، آیت (۱۳۹۸)، *جزوه نظام‌های انتخاباتی*، کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینا.
۲۲. نژاد خلیلی، مهدی (۱۳۹۳)، *پیامدهای استانی شدن انتخابات مجلس بر تکوین احزاب سیاسی*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۶۷۶.
۲۳. نوحه‌خوان، حامد (۱۳۹۱)، «معیارهای تقسیمات کشوری در دوره پهلوی»، *فصلنامه علمی، تخصصی خردنامه*، پاییز، ش ۹.
۲۴. یوسفی، صفر (۱۳۸۵)، «دموکراسی چیست»، *روزنامه شرق*، ۱۲ تیر، ش ۷۹۸.

(ب) لاتین

25. Dowse, E.R, Hughes, A. j. (1974), **Political Sociology**, Vol. 7, No 2, London: Wiley.
26. Katz, Richard. S (1997), **Democracy and Elections**, New York and Oxford: Published to Oxford Scholarship Online.

ج) اسناد الکترونیک

۱. نتایج انتخابات مجلس شورای اسلامی، سایت وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، <https://www.moi.ir>، آخرین مراجعه: ۱۳۹۹/۲/۶.
۲. یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری در یک نگاه، سایت خانه ملت خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، <https://www.icana.ir>، آخرین مراجعه: ۱۴۰۰/۲/۱۴.

References

1. Akbari, Qasim; Rasti, Imran; Mechaniki, Javad (2016), "Provincialization of Elections; Centralization and Decentralization, with Emphasis on the Constituencies of South Khorasan Province ", **Khorasan Journal of Cultural and Social Studies**, Vol. 11, No. 1.
2. Ahmadipour, Zahra; Hafiz Nia, Mohammad Reza; Khojam Lee, Abdolvahab (2011), "Analysis of the Constituencies of Golestan Province after the Islamic Revolution", **Geopolitical Quarterly**, Vol. 7, No. 1.
3. Arshadnejad, Shahram (2001), **The Constitution of the United States of America**, First Edition, Tehran: Gil Publications.
4. Dowse, E.R, Hughes, A, j. (1974), **Political Sociology**, Vol. 7, No. 2, London: Wiley.
5. "Eleven Presidential Elections at a Glance," the website of the House of Nation of Islamic Parliament of Iran, News Agency, Available at: <https://www.icana.ir>, Last Visited: 2021/5/4.
6. Ghazi, Shariat-panahi, Abolfazl (1993), **Constitutional Law and Political Institutions**, Fourth Edition, Tehran: University of Tehran Press.
7. General Directorate of Electoral Affairs (2011), **Collection of Electoral Laws of Islamic Parliament Iran**, First Edition, Tehran: Guardian Council Publications.
8. Golshan pajooh, Mahmoud Reza (2009), **A Comparative Study of Electoral Systems**, First Edition, Tehran: Cultural Institute of Studies and Research of Abrar-e-Moaser of Tehran.
9. Goodwin - Gill, Guy S. (2007), (Translator), **Seyed Jamal Seifi & Seyed Ghasem Zamani**, Free and Fair Elections: International Law and Practice, Second Edition, Tehran: Shahr-e-Danesh Institute for Legal Studies and Research Publications.
10. Guardian Council Research Center (2004), **Collection of Guardian Council Opinions on the Resolutions of Islamic**

- Parliament of Iran**, Vol. 6, Year 3, First Edition, Tehran: Dadgostar Publishing.
11. Guardian Council Research Institute (2015), **Statement of the Legal Advisory Council on the Provincial-Urbanization Plan of the Constituencies of Islamic Parliament Iran**, Report Code 9404018, October 2015.
 12. Katz, Richard, S., (1997), **Democracy and Elections**, New York and Oxford: Published to Oxford Scholarship Online.
 13. Mohammadi, Hassan (2017), "Pathology of the Constituency of Islamic Parliament of Iran Elections", **Political Studies of Law and Jurisprudence**, Spring, Vol. 3, No. 1/1.
 14. Mulaee, Ayat, (2019), **Booklet of Electoral Systems**, Master of Public Law, Bu Ali Sina University.
 15. Nejad Khalili, Mehdi (2014), **Consequences of Provincialization of Parliamentary Elections on the Formation of Political Parties**, Research Center of Islamic Parliament of Iran, Serial No. 13676.
 16. Noheh Khan, Hamed (2012), "Criteria of Country Divisions in the Pahlavi Period", Scientific, **Specialized Quarterly of Kherad-nameh**, Autumn 91, No. 9.
 17. Presidency, Program and Budget Organization, Statistics Center of Iran (2017), **Excerpts from the General Results of the 2016 Population and Housing Census**, First Edition, Tehran: Publications of the Office of the President, Public Relations and International Cooperation of the Statistics Center of Iran.
 18. Raji, Seyed Mohammad Mehdi (2010), **French Parliamentary Election Law**, First Edition, Tehran: Research Center of Islamic Parliament of Iran Publications.
 19. Rastegar Shariatpanahi, Shahrzad (2017), "Comparative Study of Electoral Systems in 6 Eastern European Countries", **Research Center of Islamic Parliament of Iran**, Serial Number 15407.
 20. Rezaei, Soodeh, (2013), "Presenting the Model of Floating the Border of Constituencies in the Elections of Islamic Parliament Iran Based on Increasing Social Capital", **Quarterly Journal of Strategic and Macro Policies**, Vol. 3, No. 10.
 21. "Results of Islamic Parliament of Iran Elections," website of the Ministry of Interior of the Islamic Republic of Iran, Available at: <https://www.moi.ir>, Last Visited: 2020/4/25.
 22. Research Center of Islamic Parliament of Iran (2010), **A look at the views of the proponents and opponents of the**

- provincialization of constituencies in Islamic Parliament of Iran Elections**, Serial No. 10632.
23. Research Center of Islamic Parliament of Iran (2002), **Report of the specialized meeting on the provincialization plan of constituencies**, serial No. 6583.
24. Research Center of Islamic Parliament of Iran (2013), **Introduction to the provincialization of Islamic Parliament of Iran Elections**, Serial Code 13380.
25. Reynolds Andrew; Translator: Hossein Nabi Lou (2007), "Design of Electoral Systems", **Legal Information**, New Vol. 6, No. 12.
26. Taghizadeh, Javad; Zarghami, Shobeir (2009), "Provincialization of Islamic Parliament Iran Elections", **Journal of Political Science**, Vol. 4, No. 4.
27. Yousefi, Safar (2006), "What is Democracy", **Shargh Newspaper**, July 3, No. 798.
28. Zarafshan, Mohammad Hadi; Hosseinipour Ardakani, Seyed Mojtaba (2017), **Collection of Election Laws and Regulations**, Second Edition, Fourth Edition, Tehran: Guardian Council Research Institute Publications.